

تشریح مبانی مسئولیت مدنی ناشران در آرا صادره از محاکم حقوقی استان (مورد بررسی)^۱

حسین سوزنده^۲؛ محمدرحیم بهبهانی^{۳*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸

چکیده

مقدمه و هدف: مسئولیت مدنی ناشران یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز در حقوق ایران است که نقش اساسی در تضمین حقوق افراد، حفظ منافع عمومی و ارتقای سلامت فرهنگی جامعه ایفا می‌کند. هدف این پژوهش، تبیین مبانی مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران و تحلیل آرای صادره از محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) با تأکید بر نحوه استناد دادگاه‌ها به نظریه‌های حقوقی مختلف از جمله نظریه تقصیر و نظریه خطر است.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. داده‌ها از طریق بررسی قوانین کلیدی از جمله ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و تحلیل محتوایی آرای صادره از محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) گردآوری شده‌اند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مبنای اصلی مسئولیت مدنی ناشران در آرای قضایی، نظریه تقصیر است و تحقق آن منوط به احراز ارکان سه‌گانه فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت می‌باشد. با این حال، در برخی دعاوی، به‌ویژه در مواردی چون نقض حریم خصوصی، افترا و لطمه به منافع عمومی، نظریه خطر نیز به صورت ضمنی مورد استناد قرار گرفته است. بررسی آرای محاکم استان (مورد بررسی) بیانگر تمرکز دادگاه‌ها بر جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از تخلفات ناشران از جمله نقض حقوق مالکیت فکری، انتشار محتوای توهین‌آمیز و بی‌احتیاطی در انتشار مطالب خلاف واقع است. چالش‌هایی نظیر خلأهای قانونی در حوزه نشر دیجیتال، نبود معیارهای دقیق برای تعیین خسارت معنوی، و تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر صدور احکام نیز موجب ناهمبستگی در رویه قضایی شده‌اند.

نتیجه‌گیری: هرچند قوانین ایران چارچوب کلی مسئولیت مدنی ناشران را مشخص کرده‌اند، اما ضعف در تفسیر واحد مواد قانونی و عدم انطباق آن‌ها با شرایط نشر دیجیتال موجب تشدید در آراء محاکم شده است. برای بهبود انسجام رویه قضایی و افزایش اعتماد عمومی، تدوین آیین‌نامه‌های نظارتی ویژه ناشران، ایجاد بانک جامع آرای قضایی، بازنگری قوانین مرتبط و آموزش تخصصی قضات ضروری است. همچنین انجام مطالعات تطبیقی با نظام‌های حقوقی پیشرفته می‌تواند به تدوین چارچوبی منسجم‌تر برای آینده مسئولیت مدنی ناشران منجر شود.

کلید واژه‌ها: مسئولیت مدنی، ناشران، رویه قضایی، قانون مطبوعات، نشر دیجیتال.

^۱ جهت رعایت اخلاق پژوهش، اسم استان ذکر نشده است.

^۲ کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. Hosein.soizande@iau.ir

^۳ * استادیار، گروه حقوق، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل:

Mohammadrahimbehbahani@iau.ac.ir

مقدمه

مسئولیت مدنی ناشران یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حقوق ایران است که در چارچوب قوانین و مقررات مختلفی از جمله: ماده ۱۰ قانون مسم مطبوعات ایران، ماده ۱۷۸ قانون مدنی ایران با عنوان اصل عدم تخلف از قوانین، ماده ۱۵ قانون مطبوعات مربوط به مسئولیت ناشران، ماده ۱۶، ماده ۱۴ و ماده ۱۹ قانون مطبوعات، مورد بررسی قرار می گیرد. این مسئولیت ناشی از تعهدات قانونی و اخلاقی ناشران در قبال آثار منتشر شده و تأثیرات آن بر جامعه است. در حقوق ایران، مبانی مسئولیت مدنی ناشران بر اساس قوانین مدنی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مطبوعات و سایر قوانین مرتبط تعیین می شود. در این پژوهش، به تشریح مبانی مسئولیت مدنی ناشران در آراء صادره از محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) پرداخته می شود (غفاری، ۱۴۰۳).

بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به دیگری خسارت وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است. این ماده به عنوان پایه ای برای مسئولیت مدنی ناشران نیز قابل استناد است. ناشران به عنوان اشخاصی که در انتشار مطالب و آثار نقش دارند، در صورت نقض قوانین یا بی احتیاطی در انتشار محتوا، ممکن است مسئول جبران خسارت به اشخاص ثالث باشند. در قانون مطبوعات نیز مسئولیت ناشران به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس ماده ۱۶ این قانون، مدیر مسئول نشریه در قبال محتوای منتشر شده مسئولیت دارد و در صورت انتشار مطالب خلاف قانون، می تواند مورد پیگرد قانونی قرار گیرد (اصلائی و همکاران، ۱۴۰۲). این ماده نشان دهنده آن است که ناشران نه تنها در قبال محتوای اصلی، بلکه در قبال تمامی مطالب منتشر شده در نشریه خود نیز مسئولیت دارند. این مسئولیت شامل مواردی مانند انتشار مطالب توهین آمیز، افتراء، نشر اکاذیب و سایر موارد نقض قانونی است. تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون مطبوعات نیز به مسئولیت مدنی ناشران اشاره دارد و مقرر می دارد که در صورت وقوع جرم توسط نشریه، مدیر مسئول و نویسنده مطلب به صورت تضامنی مسئول جبران خسارت هستند. این تبصره نشان دهنده آن است که مسئولیت ناشران تنها محدود به مسئولیت کیفری نیست، بلکه شامل مسئولیت مدنی نیز می شود. این بدان معناست که اگر محتوای منتشر شده باعث ورود خسارت به شخص ثالث شود، ناشر و نویسنده به صورت مشترک مسئول جبران خسارت خواهند بود (خزائی و خلیج، ۱۴۰۰).

در حقوق ایران، مسئولیت مدنی ناشران بر اساس نظریه تقصیر استوار است. بر این اساس، برای تحقق مسئولیت مدنی، باید تقصیر ناشر در انتشار محتوای خلاف قانون یا بی احتیاطی در بررسی محتوا اثبات شود. تقصیر می تواند به صورت عمدی یا ناشی از بی احتیاطی باشد. برای مثال، اگر ناشری بدون بررسی لازم محتوایی را منتشر کند که حاوی اطلاعات نادرست یا توهین آمیز است، این عمل می تواند به عنوان تقصیر ناشی از بی احتیاطی تلقی شود و ناشر را مسئول جبران خسارت کند. در آراء صادره از محاکم حقوقی استان

(مورد بررسی)، موارد متعددی از مسئولیت مدنی ناشران مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال، در پرونده‌ای که مربوط به انتشار مطلبی توهین‌آمیز در یکی از نشریات محلی بود، دادگاه با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۶ قانون مطبوعات، ناشر را مسئول جبران خسارت معنوی و مادی به شخص زیان‌دیده دانست (رضایی، ۱۳۹۷). در این پرونده، دادگاه تأکید کرد که ناشر به عنوان مدیر مسئول نشریه، موظف به بررسی محتوای منتشر شده و جلوگیری از انتشار مطالب خلاف قانون بوده است. همچنین، در پرونده دیگری که مربوط به انتشار اطلاعات نادرست در یک نشریه بود، دادگاه با استناد به تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون مطبوعات، ناشر و نویسنده مطلب را به صورت تضامنی مسئول جبران خسارت دانست. در این پرونده، دادگاه به این نتیجه رسید که ناشر با بی‌احتیاطی در بررسی صحت اطلاعات، باعث ورود خسارت به شخص ثالث شده است و بنابراین، مسئولیت مدنی او محرز است (قادرپور و همکاران، ۱۴۰۰).

در کنار قوانین خاص مربوط به مطبوعات، قوانین عمومی حقوقی نیز در تعیین مسئولیت مدنی ناشران نقش دارند. برای مثال، ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد که هرکس باعث ورود خسارت به دیگری شود، مسئول جبران آن است. این ماده به طور کلی شامل مسئولیت ناشران نیز می‌شود و در مواردی که محتوای منتشر شده باعث ورود خسارت به شخص ثالث شود، ناشر می‌تواند بر اساس این ماده مسئول شناخته شود. علاوه بر این، در حقوق ایران، مسئولیت مدنی ناشران می‌تواند بر اساس نظریه خطر نیز مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، ناشران به دلیل فعالیتی که انجام می‌دهند و خطراتی که ممکن است از این فعالیت ناشی شود، مسئول جبران خسارت هستند. این نظریه به ویژه در مواردی که محتوای منتشر شده باعث ورود خسارت به اشخاص ثالث می‌شود، قابل استناد است (امیرحسینی، ۱۳۹۹). برای مثال، اگر ناشری محتوایی را منتشر کند که باعث ایجاد اضطراب یا نگرانی در جامعه شود، ممکن است بر اساس نظریه خطر مسئول جبران خسارت شناخته شود.

در نهایت، می‌توان گفت که مسئولیت ناشران در حقوق ایران بر اساس قوانین و مقررات مختلفی تعیین می‌شود و در آرا صادره از محاکم حقوقی استان (مورد بررسی)، این مسئولیت با توجه به شرایط هر پرونده و با استناد به قوانین مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. ناشران به عنوان اشخاصی که در انتشار مطالب و آثار نقش دارند، موظف به رعایت قوانین و مقررات هستند و در صورت نقض این قوانین، ممکن است مسئول جبران خسارت به اشخاص ثالث شناخته شوند. به همین منظور در پژوهش حاضر با بررسی دقیق پرونده‌های مربوط به ناشران در محاکم حقوقی استان (مورد بررسی)، با هدف پیگیری رویه قضایی در دادگاه‌ها در تعیین مسئولیت مدنی ناشران، به هر دو نظریه تقصیر و خطر توجه داریم تا مشخص شود که دادگاه‌های استان (مورد بررسی) با استناد به کدام نظریه، ناشر را در بررسی محتوا مسئول شناخته‌اند.

سوالات پژوهش:

۱. مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران چیست و بر چه اصول و نظریه‌هایی استوار است؟
رویه قضایی محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) در زمینه مسئولیت مدنی ناشران چگونه است و بر چه مبانی حقوقی استناد می‌کند؟
چه عواملی در تحقق مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران مؤثرند؟
قوانین فعلی مرتبط با مسئولیت مدنی ناشران چه نقاط قوت و ضعفی دارند و چه اصلاحاتی می‌توان برای بهبود آن‌ها پیشنهاد داد؟

روش شناسی پژوهش

- پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است که با هدف تشریح مبانی مسئولیت مدنی ناشران و تحلیل آرای صادره از محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) انجام می‌شود.

یافته‌ها

- مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران چیست و بر چه اصول و نظریه‌هایی استوار است؟

مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران مبتنی بر اصول و مبانی عام حقوق خصوصی و قواعد خاص حاکم بر فعالیت‌های انتشاراتی است. مهم‌ترین مبانی این مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ یافت می‌شود (احمدی، ۱۴۰۲). به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، هرکس بدون مجوز قانونی به حقوق مادی یا معنوی دیگری لطمه وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است؛ بنابراین، ناشران در صورت ارتکاب فعل زیان‌بار مانند انتشار مطالب توهین‌آمیز، افترا یا نقض حقوق مالکیت فکری دیگران، مشمول این حکم خواهند بود (اکبری، ۱۳۹۵).

در قانون مطبوعات، ماده ۱۶ مسئولیت مدیرمسئول را نسبت به مطالب منتشره تصریح کرده و مقرر می‌دارد که مدیرمسئول در برابر محتوای چاپ شده مسئول است، حتی اگر آن را شخصاً تألیف نکرده باشد. این حکم در خصوص ناشران نیز به دلیل ماهیت مشابه فعالیت انتشاراتی، قابل تسری است (جعفری، ۱۴۰۳). همچنین قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، در مواد ۳ و ۱۲، ناشر را موظف به رعایت حقوق

پدیدآورنده دانسته و در صورت نقض این حقوق، وی را مسئول مدنی می‌شمارد (باریکلو، ۱۳۹۲).

نظریه‌های حاکم بر مسئولیت ناشران

مبنای نظری مسئولیت مدنی ناشران در ایران بر سه نظریه اصلی استوار است:

نظریه تقصیر:

پایه اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران نظریه تقصیر است. بر این اساس، برای تحقق مسئولیت مدنی ناشر باید اثبات شود که وی در انتشار مطالب، مرتکب بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا تخلف از وظایف حرفه‌ای شده است. این نظریه با قواعد عمومی مسئولیت مدنی و مواد ۱ و ۸ قانون مسئولیت مدنی مطابقت دارد (حسنی، ۱۳۹۹). برای مثال، اگر ناشری بدون بررسی کافی اقدام به چاپ اثری کند که شامل مطالب توهین‌آمیز یا مغایر با نظم عمومی است، مسئول شناخته می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۰).

نظریه خطر:

در برخی موارد که فعالیت ناشر ذاتاً خطرآفرین است، مانند انتشار آثار در فضای مجازی یا موضوعات حساس اجتماعی، مسئولیت ناشر بدون نیاز به اثبات تقصیر تحقق می‌یابد. طبق نظریه خطر، صرف انجام فعلیتی که احتمال ورود زیان دارد، مسئولیت ایجاد می‌کند. این نظریه به‌ویژه در دعاوی مربوط به لطمه به حیثیت یا حریم خصوصی اشخاص کاربرد دارد (امیرحسینی، ۱۳۹۹).

نظریه تضمین حق:

در روابط قراردادی میان ناشر و پدیدآورنده، نظریه تضمین حق مبنای مسئولیت تلقی می‌شود. طبق این دیدگاه، ناشر مکلف است حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده را تضمین نماید و در صورت نقض آن بدون احراز تقصیر—مسئول است. مبنای این نظریه را می‌توان در مواد ۳، ۱۲ و ۲۳ قانون حمایت مؤلفان جست‌وجو کرد (باریکلو، ۱۳۹۲).

اصول حاکم بر مسئولیت مدنی ناشران

اصل آزادی بیان و محدودیت‌های آن: ناشران در حدود قانون از آزادی انتشار برخوردارند اما در صورت تجاوز از حدود قانونی، مسئول شناخته می‌شوند (جعفری، ۱۴۰۳). اصل احتیاط و مراقبت: ناشر باید در انتخاب و انتشار آثار دقت و نظارت کافی داشته باشد تا از ورود زیان جلوگیری شود (حسنی، ۱۳۹۹). اصل جبران خسارت: هدف اصلی مسئولیت مدنی، اعاده وضع زیان‌دیده به حالت پیش از ورود ضرر است؛

بنابراین، ناشر موظف به جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از عملکرد خود است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰).

رویه قضایی محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) در زمینه مسئولیت مدنی ناشران چگونه است و بر چه مبنای حقوقی استناد می‌کند؟

بررسی آرای صادره از محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) نشان می‌دهد که دادگاه‌های این استان در برخورد با دعوی مربوط به ناشران، عمدتاً بر مبنای قوانین عام مسئولیت مدنی و قواعد خاص مالکیت فکری و قراردادهای نشر تصمیم‌گیری کرده‌اند. مهم‌ترین مواد قانونی مورد استناد محاکم عبارت‌اند از:

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، مواد ۲۲۱ و ۳۲۸ قانون مدنی، مواد ۳ و ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان (۱۳۴۸)، و ماده ۱۶ قانون مطبوعات (۱۳۶۴).

۱. تمرکز بر نظریه تقصیر و احراز ارکان سه‌گانه مسئولیت مدنی

اکثریت آراء بررسی شده در دادگاه‌های (مورد بررسی) نشان می‌دهد که مبنای اصلی مسئولیت مدنی ناشران، نظریه تقصیر است. دادگاه‌ها برای احراز مسئولیت ناشر، وجود سه رکن اساسی یعنی فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت را بررسی کرده‌اند.

به عنوان نمونه، در پرونده شماره ۹۹۰۹۹۷۰۶۰۰۲۰۰۱۲۳ (سال ۱۳۹۹)، دادگاه با بررسی تغییرات غیرمجاز در ترجمه کتاب اکوسیستم خلیج فارس، اقدام ناشر را مصداق «بی‌احتیاطی» دانسته و با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و قاعده تسبیب، وی را به پرداخت خسارت معنوی و درج عذرخواهی رسمی محکوم کرده است. این رأی نمونه‌ای روشن از تکیه محاکم (مورد بررسی) بر عنصر تقصیر در مسئولیت ناشران است (پرونده ۹۹۰۹۹۷۰۶۰۰۲۰۰۱۲۳، ۱۳۹۹). به همین ترتیب، در پرونده شماره ۹۷۰۹۹۷۰۶۰۰۵۰۰۴۵ (سال ۱۳۹۷)، دادگاه انتشار مطالب توهین‌آمیز در نشریه محلی را نتیجه بی‌احتیاطی ناشر دانسته و ضمن رد استناد به آزادی بیان، ناشر را به جبران خسارت معنوی محکوم کرد. این رویه نشان‌دهنده آن است که محاکم (مورد بررسی) آزادی بیان را مشروط به رعایت حقوق اشخاص و اخلاق حرفه‌ای می‌دانند.

۲. استناد به نظریه خطر در موارد لطمه به منافع عمومی یا محتوای حساس

در برخی پرونده‌ها، دادگاه‌ها بدون نیاز به اثبات تقصیر ناشر، صرف انجام عمل زیان‌بار را کافی برای احراز مسئولیت دانسته‌اند. برای مثال، در پرونده شماره ۱۴۰۱۹۹۷۰۶۰۰۷۰۰۶۷ (سال ۱۴۰۱)، ناشر کتابی زیست‌محیطی بدون مجوز از وزارت ارشاد محکوم شد. دادگاه با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و

آیین‌نامه تخلفات ناشران (۱۳۶۵)، تأکید کرد که ناشر موظف است پیش از انتشار، مجوزهای لازم را اخذ کند، حتی اگر قصد زیان نداشته باشد. این حکم مصداقی از کاربرد نظریه خطر یا مسئولیت محض در رویه قضایی (مورد بررسی) است، زیرا تقصیر اثبات نشده ولی مسئولیت احراز شده است (پرونده ۱۴۰۱۹۹۷۰۶۰۰۷۰۰۶۷، ۱۴۰۱).

۳. پذیرش نظریه تضمین حق در روابط قراردادی میان ناشر و مؤلف
در دعوای ناشی از نقض قراردادهای نشر، دادگاه‌های (مورد بررسی) غالباً بر نظریه تضمین حق و مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ قانون مدنی تکیه کرده‌اند. در پرونده شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۶۰۰۴۰۰۷۸ (سال ۱۴۰۰)، ناشر به دلیل چاپ ناقص و عدم توزیع به‌موقع کتاب آموزشی، با استناد به این مواد و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مسئول شناخته شد. دادگاه تصریح کرد که ناشر موظف به اجرای دقیق مفاد قرارداد و جبران فرصت‌های از دست‌رفته مؤلف است، حتی اگر تأخیر ناشی از مشکلات مالی یا فنی باشد. این حکم بیانگر کاربرد مسئولیت قراردادی ناشر در قالب تضمین حق است.

۴. استناد گسترده به قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان

در چندین پرونده، دادگاه‌ها به‌ویژه در موارد چاپ غیرمجاز، جعل شناسنامه کتاب یا حذف نام مؤلف و مترجم، به مواد ۳ و ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان استناد کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در پرونده شماره ۹۸۰۹۹۷۰۶۰۰۱۰۰۳۴۵ (سال ۱۳۹۸)، ناشر به دلیل چاپ ۴۰۰۰ نسخه اضافی از یک رمان بدون اجازه مؤلف، بر اساس ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و قاعده فقهی اتلاف (ماده ۳۲۸ قانون مدنی)، به جبران خسارت مادی و معنوی محکوم شد. این رأی تأکید می‌کند که حقوق مالکیت فکری مؤلفان جزء حقوق قابل حمایت مدنی است و نقض آن حتی در غیاب ضرر مالی مستقیم، موجب مسئولیت مدنی می‌شود. همچنین در پرونده شماره ۱۴۰۱۹۹۷۰۶۰۵۰۰۲۳ (سال ۱۴۰۱)، ناشر به دلیل استفاده از تصاویر عکاس بدون ذکر منبع، با استناد به ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان محکوم شد. این رأی بیانگر گسترش مفهوم «اثر» به حوزه آثار بصری و چندرسانه‌ای در رویه محاکم (مورد بررسی) است.

۵. بهره‌گیری از اصول فقهی در استدلال قضات

محاکم (مورد بررسی) در چندین رأی، ضمن استناد به قوانین مدنی، از اصول فقهی اتلاف و تسبیب نیز بهره گرفته‌اند. در پرونده شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۶۰۰۳۰۰۵۶ (سال ۱۴۰۰) که مربوط به جعل شناسنامه کتاب بود، دادگاه با استناد به قاعده اتلاف ناشر را ملزم به جبران زیان ناشر اصلی دانست. همچنین، در دعای ناشی از تحریف یا حذف بخش‌هایی از اثر، مانند پرونده مترجم کتاب اکوسیستم خلیج فارس، قاعده تسبیب مبنای مسئولیت قرار گرفت. این رویکرد نشان می‌دهد که رویه محاکم (مورد بررسی) در چارچوب فقه امامیه حرکت می‌کند و میان قواعد شرعی و مدنی پیوند برقرار می‌سازد.

۶. شناسایی دو نوع مسئولیت در آرای (مورد بررسی)

بر اساس تحلیل آرای ارائه شده در فصل دوم، دادگاه‌های استان (مورد بررسی) میان دو نوع مسئولیت تمایز قائل شده‌اند: مسئولیت مدنی قراردادی؛ ناشی از نقض قرارداد میان ناشر و مؤلف (مواد ۲۲۱ تا ۲۲۶ قانون مدنی).

مسئولیت مدنی غیرقراردادی؛ ناشی از فعل زیان‌بار نسبت به اشخاص ثالث یا عموم جامعه (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی). این تفکیک در آرای شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۶۰۰۸۰۰۱۲ (۱۴۰۰) و ۹۷۰۹۹۷۰۶۰۰۵۰۰۴۵ (۱۳۹۷) به روشنی دیده می‌شود. با وجود پیشرفت در استناد قضات به قوانین مرتبط، در برخی آرای (مورد بررسی) ناسازگاری در تفسیر ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مبنای نظری آن مشاهده می‌شود. در برخی پرونده‌ها مانند ۱۴۰۱۹۹۷۰۶۰۰۷۰۰۶۷ (۱۴۰۱) نظریه خطر مبنا قرار گرفته، در حالی که در پرونده مشابه، مانند ۹۹۰۹۹۷۰۶۰۰۲۰۰۱۲۳ (۱۳۹۹)، نظریه تقصیر مبنا بوده است. این اختلاف نشان‌دهنده نیاز به ایجاد وحدت رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی ناشران است.

چه عواملی در تحقق مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران مؤثرند؟

عوامل مؤثر در تحقق مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران در چند محور اصلی تبیین شده‌اند. دادگاه‌ها و رویه قضایی، تحقق مسئولیت مدنی ناشر را منوط به وجود ارکان قانونی و شرایط محیطی خاص دانسته‌اند. این عوامل به شرح زیر است:

۱. وجود ارکان سه‌گانه مسئولیت مدنی

تحقق مسئولیت مدنی ناشران همانند سایر اشخاص حقوقی، مستلزم احراز سه رکن است: الف) فعل زیان‌بار، ب) ورود ضرر، ج) رابطه سببیت. مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، هر کس بدون مجوز قانونی به دیگری زیان وارد کند، مسئول جبران است. در دعای نشر، فعل زیان‌بار می‌تواند شامل چاپ غیرمجاز (ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان ۱۳۴۸)، تحریف محتوا یا انتشار مطالب توهین‌آمیز (ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی) باشد. رابطه سببیت نیز زمانی محقق می‌شود که بین عمل ناشر و زیان وارده پیوند مستقیم وجود داشته باشد (احمدی، ۱۴۰۲).

۲. وجود تقصیر ناشر

اصلی‌ترین عامل تحقق مسئولیت مدنی ناشران، اثبات تقصیر در انجام یا ترک فعل قانونی است. تقصیر ممکن است به صورت بی‌احتیاطی در نظارت بر محتوا، چاپ غیرمجاز یا نقض تعهدات قراردادی ظاهر شود. برای نمونه، در پرونده شماره ۹۹۰۹۹۷۰۶۰۰۲۰۰۱۲۳ دادگاه حقوقی (مورد بررسی)، ناشر به دلیل تغییر محتوای ترجمه بدون هماهنگی با مترجم، بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و قاعده تسبیب، مقصر شناخته شد. به تعبیر اکبری (۱۳۹۵)، احراز تقصیر ناشر در اغلب دعاوی شرط لازم برای مسئولیت مدنی محسوب می‌شود.

۳. نقض تعهدات قراردادی

یکی از عوامل رایج در تحقق مسئولیت ناشران، عدم اجرای صحیح قرارداد نشر است. بر اساس مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ قانون مدنی، هرگاه متعهد (ناشر) از انجام تعهد خودداری کند یا تأخیر غیرموجه داشته باشد، باید خسارات ناشی را جبران کند. در پرونده شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۶۰۰۴۰۰۷۸ (مورد بررسی)، دادگاه ناشر را به سبب عدم چاپ به‌موقع کتاب مؤلف، مسئول دانست و با استناد به اصل جبران خسارت (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی)، وی را ملزم به پرداخت خسارت مادی کرد. به گفته حسینی (۱۳۹۹)، رابطه ناشر و مؤلف ماهیتی قراردادی دارد و نقض آن موجب مسئولیت مدنی قراردادی است.

۴. نقض حقوق مالکیت فکری و معنوی

نقض حقوق پدیدآورندگان (نویسندگان، مترجمان، عکاسان و...) یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق مسئولیت

ناشران است. طبق ماده ۳ و ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان (۱۳۴۸)، هرگونه استفاده، چاپ یا نشر بدون اجازه، موجب مسئولیت مدنی است. در چندین رأی از محاکم (مورد بررسی) (از جمله پرونده‌های ۱۴۰۳۴۵ و ۹۸۰۹۹۷۰۶۰۰۱۰۰۳۴۵ و ۱۴۰۱۹۹۷۰۶۰۵۰۰۲۳)، دادگاه‌ها بر این اساس ناشران را به پرداخت خسارات مادی و معنوی محکوم کرده‌اند. جعفری (۱۴۰۳) تأکید می‌کند که حمایت از مالکیت فکری نه تنها مبنای اقتصادی دارد، بلکه ابزاری برای تضمین اخلاق نشر است.

۵. بی‌احتیاطی در نظارت بر محتوای منتشرشده

ناشران موظف‌اند بر صحت و مشروعیت محتوای آثار نظارت داشته باشند. عدم رعایت این وظیفه، در رویه قضایی به عنوان تقصیر در نظارت تلقی می‌شود. در پرونده شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۶۰۲۰۰۳۴، ناشر به دلیل انتشار کتابی با محتوای تحریف‌شده مذهبی، به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و اصل لاضرر، مسئول شناخته شد. امیرحسینی (۱۳۹۹) بیان می‌کند که وظیفه نظارتی ناشر، مصداق «احتیاط متعارف» در حقوق مدنی است و نقض آن موجب ضمان می‌شود.

۶. وجود رابطه علیت مستقیم میان فعل ناشر و زیان

دادگاه‌ها در تعیین مسئولیت ناشران، بر وجود رابطه مستقیم بین عمل زیان‌بار و خسارت تأکید دارند. اگر زیان نتیجه عوامل خارجی یا دخالت شخص ثالث باشد، مسئولیت ناشر منتفی است (باریکلو، ۱۳۹۲). در پرونده شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۶۰۳۰۰۵۶، که مربوط به جعل شناسنامه کتاب بود، دادگاه رابطه مستقیم میان اقدام ناشر متخلف و ضرر وارده به ناشر اصلی را احراز و حکم به جبران خسارت صادر کرد.

۷. نقض الزامات قانونی و اداری

مطابق آیین‌نامه تخلفات ناشران (۱۳۶۵) و قانون مطبوعات (۱۳۶۴)، ناشر پیش از انتشار اثر باید مجوزهای لازم را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کند. در پرونده شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۶۰۷۰۰۶۷، دادگاه با تأکید بر نقض مقررات اداری و فقدان مجوز انتشار، ناشر را مقصر دانست. حسینی‌نژاد (۱۳۷۰) این موارد را مصداق «تقصیر نوعی» می‌داند که حتی بدون سوءنیت موجب مسئولیت می‌شود.

۸. فقدان آگاهی یا تخصص کافی در صنعت نشر

ضعف آگاهی ناشران نسبت به قوانین نشر، مالکیت فکری و الزامات قراردادی، در فصل پنجم به عنوان عامل تشدیدکننده بروز مسئولیت معرفی شده است. احمدی (۱۴۰۲) بیان می‌کند که بسیاری از دعاوی علیه

ناشران در اثر عدم آشنایی آنان با الزامات قانونی در حوزه حقوق مؤلفان ایجاد می‌شود. بنابراین، آموزش‌های تخصصی در زمینه حقوق نشر، یکی از راهکارهای پیشگیری از مسئولیت مدنی است.

۹. فشارهای اجتماعی و فرهنگی در محاکمات

در برخی پرونده‌ها، دادگاه‌ها تحت تأثیر حساسیت‌های فرهنگی یا مذهبی، دامنه مسئولیت ناشران را گسترش داده‌اند. به عنوان نمونه، در پرونده شماره ۹۹۰۹۹۷۰۶۰۰۸۰۰۴۵، انتشار مطلبی تبعیض‌آمیز علیه قومیت‌های بومی، موجب مسئولیت ناشر شد. این رأی، بازتابی از نقش عوامل اجتماعی در جهت‌دهی به تصمیمات قضایی است.

قوانین فعلی مرتبط با مسئولیت مدنی ناشران چه نقاط قوت و ضعفی دارند و چه اصلاحاتی می‌توان برای بهبود آن‌ها پیشنهاد داد؟

بررسی قوانین فعلی مرتبط با مسئولیت مدنی ناشران نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران دارای چارچوبی پایه‌ای اما پراکنده است. این قوانین هرچند برخی حمایت‌های مؤثر از مؤلفان و زیان‌دیدگان را فراهم کرده‌اند، اما از ضعف‌های ساختاری و اجرایی قابل توجهی نیز رنج می‌برند. در ادامه، نقاط قوت، ضعف‌ها و پیشنهاد‌های اصلاحی این نظام، بر اساس تحلیل فصل پنجم، به صورت مستند آورده شده است:

۱. نقاط قوت قوانین موجود

الف) وجود چارچوب عمومی مسئولیت مدنی

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، زیربنای اصلی مسئولیت ناشران را تشکیل می‌دهد و امکان طرح دعای جبران خسارت مادی و معنوی را برای زیان‌دیدگان فراهم می‌کند. این ماده، به عنوان قاعده‌ای عام، مبنای رسیدگی به اغلب دعاوی مرتبط با نشر در دادگاه‌های (مورد بررسی) بوده است (به گفته احمدی (۱۴۰۲))، وجود این ماده موجب انعطاف در استناد قضات به اصول کلی مانند قاعده /تلاف و تسبیب شده و مانع از خلأ قانونی در موارد سکوت قوانین خاص گردیده است.

ب) شناسایی حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان

قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ یکی از نقاط قوت نظام حقوقی ایران است، زیرا در مواد ۲ و ۲۳ خود، برای نخستین بار، حقوق مادی و معنوی مؤلفان را به رسمیت شناخته است. این قانون مبنای آرای متعدد دادگاه‌های (مورد بررسی) در زمینه چاپ غیرمجاز و تحریف آثار بوده است (پرونده‌های ۹۸۰۹۹۷۰۶۰۰۱۰۰۳۴۵ و ۹۸۰۹۹۷۰۶۰۵۰۰۲۳). جعفری (۱۴۰۳) تأکید می‌کند که این قانون، با وجود قدمتش، هنوز یکی از محدود ابزارهای مؤثر در حمایت از پدیدآورندگان است.

ج) وجود سازوکارهای کیفری و انتظامی مکمل

قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و آیین‌نامه تخلفات ناشران مصوب ۱۳۶۵ در کنار قوانین مدنی، ابعاد انتظامی و کیفری تخلفات ناشران را مشخص کرده‌اند. در مواردی مانند انتشار مطالب توهین‌آمیز یا تحریف مذهبی، دادگاه‌ها با استناد به این قوانین، مسئولیت ناشر را احراز کرده‌اند (فصل دوم، ص. ۶۴). این تلفیق میان مسئولیت مدنی و انتظامی، به گفته اکبری (۱۳۹۵)، موجب ارتقای سطح پاسخگویی ناشران در قبال تخلفات شده است.

۲. نقاط ضعف قوانین موجود

الف) پراکندگی و فقدان انسجام میان قوانین

یکی از چالش‌های اساسی، پراکندگی مقررات مرتبط با نشر در میان قوانین متعدد است. قانون مسئولیت مدنی، قانون مطبوعات، قانون حمایت از حقوق مؤلفان، قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه تخلفات ناشران هر یک بخشی از مسئولیت ناشران را در بر می‌گیرند، اما میان آن‌ها هماهنگی لازم وجود ندارد. به گفته حسنی (۱۳۹۹)، این پراکندگی موجب شده که قضات در استناد به قوانین، رویه‌های متفاوتی اتخاذ کنند و وحدت رویه در احکام مخدوش شود.

ب) قدمت و ناکارآمدی در مواجهه با نشر دیجیتال

قانون حمایت از حقوق مؤلفان مصوب ۱۳۴۸ و آیین‌نامه تخلفات ناشران مصوب ۱۳۶۵، در زمانی تدوین شده‌اند که نشر دیجیتال وجود نداشت. بنابراین، درباره مسئولیت ناشران اینترنتی، استفاده از آثار در پلتفرم‌های آنلاین یا بازنشر در فضای مجازی سکوت دارند. به گفته احمدی (۱۴۰۲)، این خلأ باعث شده که دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی نشر دیجیتال ناگزیر به استناد به اصول کلی ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی شوند، که کفایت لازم را ندارد.

ج) ضعف در تعیین معیارهای خسارت معنوی

اگرچه ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی خسارات معنوی را به رسمیت شناخته است، اما هیچ معیاری برای نحوه محاسبه و میزان آن تعیین نکرده است. به همین دلیل، در پرونده های مشابه، دادگاه ها مبالغ متفاوتی را به عنوان خسارت معنوی تعیین کرده اند. باریکلو (۱۳۹۲) تصریح می کند که نبود معیارهای روشن برای خسارت های غیرمالی، موجب ناهمگونی در آرای قضایی شده است.

د) تمرکز بیش از حد بر ضمانت های کیفری به جای مدنی

قانون مطبوعات عمدتاً بر جنبه های کیفری تخلفات نشر تمرکز دارد و کمتر به جبران خسارت های مدنی پرداخته است. به همین دلیل، در بسیاری از دعاوی، زیان دیدگان ناچارند به دادگاه حقوقی مراجعه کنند تا از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی استفاده کنند. امیرحسینی (۱۳۹۹) این وضعیت را نشانه ضعف رویکرد جبران محور در نظام حقوقی ایران می داند.

ه) نبود سازوکار نظارت و پایگاه داده قضایی

در فصل پنجم تصریح شده است که یکی از چالش های مهم، نبود بانک اطلاعاتی آرای مسئولیت مدنی ناشران است که موجب تشتت در تصمیمات محاکم می شود (ص. ۱۱۲). جعفری (۱۴۰۳) تأکید می کند که بدون وجود چنین سامانه ای، امکان تحقق وحدت رویه قضایی در این حوزه وجود ندارد.

۳. پیشنهادهای اصلاحی برای بهبود قوانین

الف) تدوین قانون جامع مسئولیت مدنی ناشران

پیشنهاد اصلی فصل پنجم، تدوین قانون جامع ویژه ناشران است که کلیه ابعاد حقوقی، مدنی، انتظامی و دیجیتال را پوشش دهد. به گفته احمدی (۱۴۰۲)، چنین قانونی باید شامل تعریف دقیق ناشر، وظایف نظارتی، حدود تقصیر و ضمانت های جبران خسارت مادی و معنوی باشد.

ب) به روزرسانی قانون حمایت از حقوق مؤلفان (۱۳۴۸)

این قانون باید با تحولات جدید نشر و فناوری تطبیق یابد. در فصل پنجم پیشنهاد شده است که فصل جدیدی درباره انتشار دیجیتال، آثار چندرسانه ای و نشر الکترونیک به آن افزوده شود. حسینی (۱۳۹۹) نیز بر لزوم بازنگری در مواد ۲۳ و ۲۴ این قانون تأکید کرده تا شامل آثار آنلاین شود.

ج) ایجاد دستورالعمل قضایی برای خسارت معنوی

به منظور جلوگیری از اختلاف آراء، پیشنهاد شده است که قوه قضاییه با استناد به ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی، آیین‌نامه‌ای برای تعیین معیارهای خسارت معنوی تدوین کند. باریکلو (۱۳۹۲) پیشنهاد می‌کند که معیارهایی مانند گستره انتشار، جایگاه اجتماعی زیان‌دیده و تأثیر روانی خسارت در این آیین‌نامه لحاظ شود.

د) تقویت نظام نظارت اداری بر ناشران

در فصل پنجم تأکید شده است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید با همکاری اتحادیه ناشران، سازوکار بازرسی دوره‌ای از عملکرد ناشران را برقرار کند تا از تخلفات پیشگیرانه جلوگیری شود.

ه) تشکیل دادگاه تخصصی نشر و مالکیت فکری

برای کاهش پراکندگی در آرای قضایی، ایجاد شعب تخصصی در حوزه نشر و رسانه پیشنهاد شده است. این دادگاه‌ها می‌توانند با استناد به تجربیات کشورهای فرانسه و انگلستان، رویه‌ای منسجم‌تر در حوزه مسئولیت مدنی ناشران ایجاد کنند (جعفری، ۱۴۰۳).

نتیجه گیری:

بررسی مبانی نظری و رویه قضایی مرتبط با مسئولیت مدنی ناشران در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که هرچند چارچوب قانونی نسبتاً جامعی برای حمایت از حقوق مؤلفان، مترجمان و زیان‌دیدگان وجود دارد، اما این چارچوب از نظر انسجام، کارایی و به‌روزرسانی با چالش‌های قابل توجهی روبه‌روست. بر اساس مواد ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، ۲۲۱ و ۳۲۸ قانون مدنی، و ۳ و ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان (۱۳۴۸)، ناشران در قبال نقض حقوق مادی یا معنوی پدیدآورندگان، تحریف آثار، انتشار مطالب زیان‌بار یا بی‌احتیاطی در نظارت بر محتوا، مسئول جبران خسارت شناخته می‌شوند (احمدی، ۱۴۰۲؛ جعفری، ۱۴۰۳: ۷۸). رویه قضایی محاکم حقوقی استان (مورد بررسی) نیز مؤید آن است که دادگاه‌ها در تعیین مسئولیت ناشران از دو مبنای اصلی استفاده کرده‌اند: نخست، نظریه تقصیر در مواردی که بی‌احتیاطی یا نقض تعهدات قراردادی اثبات شده است؛ و دوم، نظریه خطر یا مسئولیت محض در مواردی که فعالیت ناشر ذاتاً احتمال ورود زیان دارد، مانند انتشار محتوای تحریف‌شده یا فاقد مجوز (پرونده‌های ۱۳۳۰۲۰۰۶۰۰۹۹۷ و ۱۴۰۱۹۹۷۰۶۰۰۷۰۰۶۷). این رویه نشان می‌دهد که محاکم در راستای حمایت از حقوق فرهنگی و حرفه‌ای مؤلفان، به سمت تفسیر موسع‌تر از مسئولیت مدنی حرکت کرده‌اند (امیرحسینی، ۱۳۹۸).

با وجود این، نظام قانونی موجود با چند ضعف عمده مواجه است: نخست، پراکندگی و عدم هماهنگی میان قوانین مربوط به نشر (قانون مسئولیت مدنی، قانون مطبوعات، قانون حمایت از حقوق مؤلفان) که موجب صدور آرای متناقض شده است (حسنی، ۱۳۹۹). دوم، قدمت این قوانین و ناتوانی آن‌ها در پاسخ به تحولات نشر دیجیتال و فضای مجازی (احمدی، ۱۴۰۲). سوم، فقدان معیارهای دقیق برای تعیین خسارت معنوی که به تفاوت در آرای محاکم منجر شده است (باریکلو، ۱۳۹۲). در کنار این مشکلات، ضعف نظارت اداری بر فعالیت ناشران و کمبود آموزش‌های حقوقی در صنعت نشر، تحقق عدالت فرهنگی را با دشواری روبه‌رو کرده است. در نتیجه، برای ارتقای کارآمدی نظام مسئولیت مدنی ناشران، اصلاحاتی بنیادین ضروری است؛ از جمله: تدوین قانون جامع مسئولیت مدنی ناشران با رویکردی نوین و متناسب با فناوری‌های جدید؛ به‌روزرسانی قانون حمایت از مؤلفان (۱۳۴۸) برای شمول آثار دیجیتال؛ ایجاد دستورالعمل قضایی درخصوص محاسبه خسارت معنوی؛ و تشکیل شعب تخصصی قضایی در حوزه نشر و مالکیت فکری به‌منظور ایجاد وحدت رویه (جعفری، ۱۴۰۳). همچنین، افزایش نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ارتقای آگاهی حقوقی ناشران می‌تواند در کاهش دعاوی مدنی و پیشگیری از تخلفات مؤثر باشد. در مجموع، نظام مسئولیت مدنی ناشران در ایران در مرحله گذار از «پاسخ کیفری» به سوی رویکرد جبران‌محور مدنی قرار دارد. استمرار این روند و اجرای اصلاحات یاد شده می‌تواند موجب تحقق عدالت فرهنگی، تضمین حقوق مؤلفان، افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی و ارتقای جایگاه حرفه‌ای صنعت نشر در ایران شود (احمدی، ۱۴۰۲؛ حسنی، ۱۳۹۹).

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش مطابق با اصول اخلاق حرفه‌ای در تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی و مبتنی بر منشور اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است و اطلاعات بدست آمده صرفاً در جهت پژوهش بکار گرفته شده است. بر اساس رعایت اخلاق پژوهش نام استان ذکر نشده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از سازمان‌ها یا نهادهای تأمین مالی دریافت نکرده است و تمامی هزینه‌های مربوط به انجام مطالعه توسط پژوهشگر تأمین گردیده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. نویسندگان اظهار می‌دارد که در ارتباط با انجام این پژوهش و نگارش مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع فارسی

- احمدی، س. (۱۴۰۲). تحلیل حقوقی مسئولیت مدنی ناشران در قبال نقض مالکیت فکری. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۶(۲۱). تهران.
- اکبری، ح. (۱۳۹۵). مبانی حقوقی جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشران. *فصلنامه دانش حقوق مدنی*، ۱۰(۳). دانشگاه پیام نور.
- امیرحسینی، امین. (۱۳۹۷). واکاوی مسئولیت مدنی رسانه‌های جمعی ناقض حقوق محیط زیست در نظام حقوقی ایران. *جامعه فرهنگ رسانه*، ۷(۲۷)، ۴۹-۶۲.
- باریکلو، ع. (۱۳۹۲). نگرشی جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه. *فصلنامه حقوق*. دانشگاه علم و صنعت ایران.
- باریکلو، ع. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی (چاپ چهارم). تهران: نشر میزان.
- بهرامی احمدی، ح. (۱۳۹۱). *ضمان قهری، مسئولیت مدنی* (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- جعفری، م. (۱۴۰۳). بررسی مسئولیت مدنی در نشر دیجیتال: چالش‌ها و راهکارها. *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی*، ۱۳(۲۶). دانشگاه پیام نور.
- حسینی، م. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی ناشران در قبال محتوای دیجیتال. *فصلنامه حقوق و فناوری*، ۵(۱). تهران.
- حسینی‌نژاد، ح. (۱۳۷۰). *مسئولیت مدنی*. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- رحیمی، س. (۱۴۰۰). تحلیل رویه قضایی در دعاوی مسئولیت مدنی ناشران. *فصلنامه حقوق قضایی*، ۶(۱۸). تهران.
- یزدانی، م. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی قانون مطبوعات ایران و انگلستان در مسئولیت مدنی. *فصلنامه حقوق تطبیقی*، ۷(۲۴). تهران.

xx plaiiii gg hlf Fonnaations oP Hll iseersC Gvil ii ability in Judicial Decisions of the Provincial Civil Courts (Case Study)

Hossein Sozandeh,^۱ Mohammad Rahim Behbehani^۲

Abstract

Introduction and Objective: Pubssshrrs' ii v bbbhtty ss on of th signifnnnn and challenging issues in Iranian law, playing a vital role in safeguarding individual rights, protecting public interests, and promoting cultural integrity. This study aims to clarify hh ggg nnd hboraaaaaafoundooons of pubssshrrs' ii v aabtttty nnIrnn's ggg syseem and analyze the judicial decisions issued by the provincial civil courts (case study), with emphasis on how courts have relied upon legal doctrines such as the fault theory and the risk theory.

Research Methodology: This is a descriptive-analytical study conducted using library-based and field research methods. Data were collected through an examination of key legal sources, including Article 1 of the Civil Liability Act (1959), the Press Law (1985), the Law on the Protection of Authors, Composers and Artists (1969), and a content analysis of judicial rulings issued by the provincial civil courts (case study).

Findings: The results reveal that the primary foundoon of pubssshrrs' ii v bbbhtty in judicial decisions is the fault-based theory, the realization of which depends on proving the three essential elements of a civil wrong: a wrongful act, damage, and causation. However, in certain cases—particularly those involving invasion of privacy, defamation, or harm to public interests—courts have also implicitly invoked the risk theory. The analysis of court decisions indicates that judges mainly focus on compensating material and moral damages arising from pubssshrrs' voooooss such oopyrggh infringemen,, dissemination of offensive content, and negligence in fact-checking. Challenges including legal gaps in digital publishing, lack of clear criteria for assessing moral damages, and socio-cultural influences on judgments have contributed to inconsistencies in judicial practice.

Conclusion: Although Irnnaan aaw provdd gnnrr frmnework for pubssshrrs' ii vl liability, the lack of unified interpretation of legal provisions and their incompatibility with modern digital publishing conditions has led to inconsistency among court decisions. To enhance judicial coherence and public trust, it is essential to develop specific regulatory guidelines for publishers, establish a comprehensive judicial database, revise related legislation, and provide specialized judicial training. Moreover, comparative studies with advanced legal systems can help design a more coherent and future-ornnnddgggffframework for pubssshrrs' vvbbbbynnIrnn.

Keywords: Civil Liability, Publishers, Judicial Practice, Press Law, Digital Publishing.

^۱ M.A student, Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, kazerun, Iran. Hosein.soizande@iau.ir

^۲* Department of Law, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.. (Corresponding author). Email: mohammadrahimbehbahani@iau.ac.ir